

ارزیابی تاثیرگذاری تحریم‌های بین‌المللی بر قدرت منطقه‌ای ژئوپلیتیک ایران در خاورمیانه

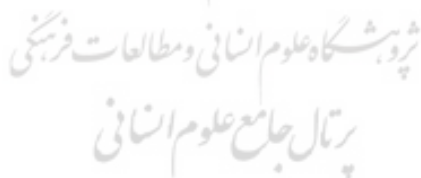
فرشاد فروغی نسب^۱ - شیوا جلال پور^{۲*} - لنا عبدالخانی^۳ - بهرام یوسفی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۰

چکیده:

ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی ویژه نقشی مهم در موازنه قدرت در منطقه خاورمیانه داشته و آمریکا از تحریم‌های بین‌المللی در راستای تغییر این استراتژی استفاده نموده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و استفاده از چارچوب نظری جوزف نای، درصدد پاسخگویی به این سوال بوده است که اعمال تحریم‌های بین‌المللی تاثیری بر قدرت منطقه‌ای ژئوپلیتیک ایران در خاورمیانه داشته است؟ یافته‌ها حاکی از آن است که علیرغم نقش موثر تحریم‌ها بر بازارهای مالی و سرمایه‌گذاری‌های خارجی در تغییر رفتار منطقه‌ای ایران از کارآمدی لازم بهره‌مند نبوده است. اجرای استراتژی کاربردی در تبیین قدرت هوشمند با تأکید بر نقش آفرینی بیشتر در ژئوپلیتیک منطقه‌ای انرژی از سوی ایران زمینه‌های لازم جهت مقاومت در برابر تحریم‌ها و تحمیل سیاست‌های ایران بر کشورهای منطقه را فراهم آورده است.

واژگان کلیدی: قدرت منطقه‌ای، تحریم‌های بین‌المللی، قدرت هوشمند، موازنه قدرت



JPIR-2101-1756

^۱ - دانشجوی دکتری تخصصی گروه علوم سیاسی (مسائل ایران)، واحد بین‌الملل خرمشهر - خلیج فارس، دانشگاه آزاد اسلامی، خرمشهر، ایران

^۲ - استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران: نویسنده مسئول

Shiva_jalalpoor@yahoo.com

^۳ - استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

^۴ - استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

مقدمه

ایالات متحده آمریکا پس از پیروزی انقلاب اسلامی و بالاخص طی سال‌های اخیر از سازوکار تحریم در راستای پیشبرد اهداف و منافع خود در قبال ایران استفاده نموده است. هرچند تحریم‌های بین‌المللی از سوی آمریکا با حمایت کشورهای اروپایی و با موضوعیت برنامه هسته‌ای ایران وضع می‌گردید اما تردیدی نیست که بخش عمده‌ای از تحریم‌های اعمال شده با هدف کنترل قدرت منطقه‌ای ایران در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی در خاورمیانه بوده است.

تحریم اقدام برنامه ریزی شده یک یا چند دولت از طریق محدود کردن مناسبات اقتصادی و مبادلاتی برای اعمال فشار بر کشور هدف با مقاصد مختلف سیاسی - اقتصادی است که همواره در طول ۴۰ سال گذشته صنعت نفت، صادرات نفت و بالتبع توسعه نفتی را هدف قرار داده است. نوعی از تحریم‌ها که اغلب به عنوان جایگزین جنگ و اعمال قوه قهریه تلقی می‌شود تحریم مناسبات اقتصادی است. مناسبات اقتصادی مشمول بر انواع روابط اقتصادی اعم از تجاری و مالی بین کشورها می‌باشد. قدرت هوشمند شاخصی است در دست کشورهای قدرتمند منطقه در راستای تهاجم و دست اندازی به منافع کشورها با به‌کارگیری از ابزار سخت و نرم قدرت که امروزه توسط بسیاری از کشورهای دارای شرایط خاص ژئوپلیتیکی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در به‌کارگیری اینگونه استراتژی‌ها میزان تعهدات مالی مربوط به بکارگیری تجهیزات تدافعی، تنوع و قابلیت کاربری آنها در موقعیت‌های مختلف، استفاده از سیستم‌ها و ابزارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی دارای اهمیت بسزایی می‌باشد.

آنچه در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد این است که اعمال تحریم‌های بین‌المللی بر قدرت منطقه‌ای ژئوپلیتیک ایران در منطقه خاورمیانه چه تاثیری داشته است و راهکار-های ایران جهت برون رفت از بن بست تحریم‌ها چه بوده است؟ فرضیه محوری در این مقاله این است که هرچند تحریم‌های بین‌المللی بر بازارهای مالی و سرمایه‌گذاری‌های خارجی در میادین مشترک انرژی تاثیرات منفی برجای گذاشته است اما پیاده‌سازی استراتژی‌های قدرت هوشمند - ترکیبی از قدرت نرم و سخت - جهت پیشبرد اهداف سیاست بین‌الملل خود، در تلفیق با به‌کارگیری موقعیت خاص ژئوپلیتیک منطقه‌ای از سوی ایران، موجب بی اثر شدن تحریم‌های بین‌المللی بر پیشبرد قدرت منطقه‌ای ایران در خاورمیانه داشته است.

از این‌رو مهمترین هدفی که در این مطالعه مدنظر قرار گرفته است، تعیین میزان اثربخشی از اعمال تحریم‌های بین‌المللی و تعیین جایگاه قدرت منطقه‌ای ایران در خاورمیانه بالاخص در حوزه انرژی می‌باشد.

این مقاله از نظر هدف (بنیادی)، از نظر ماهیت (مطالعه اکتشافی) و از دیدگاه پارادایمی (کیفی) است و گردآوری داده‌ها در آن به شکل کتابخانه‌ای از منابع مختلف اینترنتی و غیر اینترنتی و به روش فیش برداری انجام شده است و از نظریه قدرت هوشمند جوزف نای به عنوان چارچوب نظری استفاده شده است.

پیشینه تحقیق

در مورد ابعاد مختلف تاثیرگذاری تحریم‌های بین‌المللی بر اقتصاد و قدرت منطقه‌ای ایران و آسیب شناسی آن تحقیقات گسترده‌ای صورت گرفته است و کتاب‌ها و مقالات ارزنده‌ای نوشته شده است. در مقاله صیدی و علی‌پور (۱۳۹۲) مساله اصلی تاثیرات تحریم اقتصادی ایالات متحده و غرب بر روابط اقتصادی، سیاسی و بین‌الملل ایران است. آنها با رویکردی توصیفی-تحلیلی به این مهم دست یافتند که تحریم از سوی کشورهای اعمال می‌گردد که در ساختار نظام بین‌الملل دارای ثبات رفتار و هژمونیک باشند و به بیان این موضوع می‌پردازند که اعمال تحریم از میان گزینه‌های تنبیهی می‌تواند بیشترین اثربخشی را در تعقیب سیاست خارجی کشورها داشته باشد. طغیانی و درخشان (۱۳۹۳) در پژوهشی با هدف تحلیل عوامل تأثیرگذاری تحریم‌های اقتصادی بر ایران و راهکارهای مقابله با آن هشت راهکار عملی را برای مقابله با تحریم‌های اقتصادی بررسی و پیاده سازی اقداماتی مبتنی بر کاهش منافع و افزایش هزینه‌های تحریم کنندگان و افزایش منافع و کاهش هزینه‌های کشور تحریم شونده، به صورت علمی و عملی سیاست‌هایی را برای مقابله با تحریم‌ها پیشنهاد دادند. قربانی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش قدرت هوشمند تحول نوین در عصر جهانی شدن با هدف بررسی مفهوم قدرت هوشمند با توجه به دگرگونی‌های ایجاد شده در سیاست بین‌المللی به این مهم اشاره نمودند که تحولی که بیانگر مفهومی نو از قدرتی است که در آن هنجارهای قدرت نرم با منابع قدرت سخت ترکیب شده و قدرت هوشمند را به وجود می‌آورند دارای نقش مؤثرتری در اعمال قدرت دارد. براینکه این نوع قدرت، کسب نتایج مطلوب، مشروعیت در کاربرد قدرت و جلوگیری از اتلاف منابع است. جنیدی و ملایی (۱۳۹۸) در پژوهشی تحت عنوان راهبردهایی مبتنی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با قدرت هوشمند ایالات متحده آمریکا به این نقطه نظر دست یافتند که دولت آمریکا در طول تجربه خود از عملکرد و ماهیت عقیدتی و فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران، به این نکته مهم وقوف پیدا کرده است که ماهیت، چیرستی، توان و قدرت ایران، بیش از هر چیز معطوف به توانمندی‌های نرم، فرهنگی و ارزشی است. به همین جهت این کشور در کنار رویکرد تحریم، تهدید و فشارهای اقتصادی و سیاسی خود به مقابله نرم روی آورده و در پی تضعیف پایه‌های اعتقادی نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک راهبرد

کلیدی برآمده است. اصفهانی و امیر بیگ (۱۳۹۰) در خصوص قدرت منطقه‌ای ایران و چالش‌های پیش روی، این مهم را ارائه نمودند که در عرصه خارجی، تقابل بخشی از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به جهت خاستگاه اعتقادی و آرمانگرایی آن با برخی هنجارهای رایج در نظام بین‌الملل، وجود روحیه ضدامپریالیستی و عدم سرسپردگی در برابر قدرت‌های خارجی از یک سو و وجود مشکلاتی در روابط با قدرت‌های منطقه‌ای به جهت رقابت بر سر توزیع قدرت در منطقه از سوی دیگر، چالش‌ها و محدودیت‌هایی برای تبدیل ایران به قدرت نخست منطقه‌ای ایجاد کرده است. آدمی و قرشی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان افول قدرت نرم آمریکا: شاخص‌ها مولفه‌ها در پاسخ به این پرسش که شاخص‌ها و دلایل افول قدرت نرم آمریکا چیست؟ براساس نظریه قدرت نرم جوزف نای این فرضیه را دنبال می‌کند که اگرچه آمریکا از پتانسیل‌های بالقوه و بالفعل خود در اجرای سیاست‌هایش استفاده کرده و در پی افزایش نفوذش در شکل اقتناع دولت‌ها و ملت‌های جهان است، اما اجرای سیاست‌های داخلی و خارجی ناسازگار با اولویت‌های ارزشی و فرهنگی مورد ادعای این کشور، قدرت اقناع‌کنندگی آن را رو به افول می‌کشد. کرباسی (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان بررسی و نقد قدرت نرم معتقد است که طی سال‌های اخیر قدرت نظامی آمریکا در عراق و افغانستان موفق نبوده و مفهوم جدیدی از سوی نخبگان فکری ایالات متحده مطرح شده است که توجه صرف به قدرت نظامی را اشتباه قلمداد می‌نماید که این مفهوم قدرت هوشمند نامیده می‌شود.

چارچوب نظری

- قدرت هوشمند جوزف نای

از کنترل بر تفکر و فعالیت دیگر افراد، قدرت به وجود می‌آید. بازیگر (کشور) هنگامی در صحنه به این مهم دست می‌یابد که نیروهای تکنولوژیک و نیروهای سیاسی به گونه‌ای وسیع‌تر با یکدیگر سازگار بشوند. (دهشیر، ۱۳۸۲: ۳۷) نکته مهم در مفهوم شناسی قدرت، چگونگی اعمال آن بر مبنای مفاهیمی چون: زور، فریب، نفوذ و اقتدار می‌باشد. (مظفری، ۱۳۸۶: ۳۸) از نظر سیاستمداران قدرت به معنای داشتن توانمندی یا منابع است و کشور قدرتمند باید از جمعیت زیاد، منابع طبیعی، قدرت اقتصادی، نیروی نظامی و ثبات اجتماعی برخوردار باشد. (جعفری ولدانی، ۱۳۸۲: ۲۰۶) در این صورت قدرت، سنجش‌پذیر و قابل پیش‌بینی است. برخلاف نظریه‌پردازان سنتی و مدرن که بیشتر بر عوامل محسوس و سخت افزاری قدرت تأکید داشته‌اند، در نظریه پست مدرن قدرت، ماهیتی چند لایه و دارای مرکزیتی نیست. نظریه پردازان این گروه افرادی نظیر فردریک نیچه، مارتین هایدگر، میشل فوکو، و ژان فرانسوا لیوتار هستند. در نظریات جدید پست مدرن نیز تأکید بیشتر بر اقتدار به جای قدرت و اعتقاد به نرم افزاری و فرهنگی شدن ماهیت قدرت

است. این دسته از نظریه پردازان که سطح بازی جهانی و یا تعامل قدرت در سطح جهانی را بین فرد تا عرصه جهانی می‌دانند و معتقدند با جایگزین نمودن امنیت تدبیرساز انسان، به جای عکس‌العمل طبیعی و مرز عقلی، می‌توان کمیت زندگی و دستاوردهای آن را بهبود بخشید. (سیف زاده، ۱۳۸۴: ۲۱) در این صورت از طرفی این فرض واقع‌گرایان که معتقدند بازیگران می‌توانند در روابط خود با دولت‌ها و سایر بازیگران با توسل به زور و تهدید، خواسته‌های خود را بر دیگران تحمیل کنند، رد می‌شود. علاوه بر این از سوی دیگر، بازیگرانی که همواره از ابزارهای غیر-خشونت‌آمیز و همکاری توافقی و داوطلبانه (آن‌طوری که اقتصاددانان لیبرال تأکید دارند) استفاده می‌کنند را چندان کافی نمی‌دانند. (کلودزیچ، ۱۳۹۰: ۳۷۶)

شناسایی مفهوم قدرت همیشه از سوی دانشمندان این حوزه همراه با جداسازی و تقسیم بندی روبرو بوده است. چرا که قدرت در دوره‌های زمانی مختلف و اشکال متفاوتی که از خود نشان داده شده است باعث بروز این تفکیک و تمایز ساختاری شده است و قدرت در حوزه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی دارای کارکردهای متفاوتی است. هر چند به نظر می‌رسد هدف اصلی اعمال قدرت کسب دستاوردهای اعمال کننده آن است ولی چگونگی اعمال آن و محل بکارگیری آن باعث بوجود آمدن قدرت شده است. عمده ترین تقسیم بندی که از قدرت شده است تقسیم بندی آن به دو نوع قدرت سخت و نرم است. (نای، ۱۳۹۲: ۳۳) از دیدگاه پروفیسور حمید مولانا هم قدرت به دو بخش تقسیم که منابع آن دین، ارزش‌ها، باورها، ایدئولوژی و دانش هستند و قدرت نرم می‌گردد: قدرت ناملموس سخت یا ملموس که در مواردی چون: منابع طبیعی، جمعیت، ثروت و ابزار نظامی و جنگی و غیره ریشه دارد. او معتقد است قدرت نرم زیربنای قدرت سخت بوده و ماهیت آن را مشخص می‌نماید. (اسماعیلی، ۱۳۹۱: ۸)

در این تقسیم بندی منابع و رفتار کشورها برای اعمال قدرت مدنظر قرار گرفته شده است و در حقیقت این منابع مادی و معنوی رفتارهای خاص کشورها است که اقدامات قدرتمندانه از خود بروز می‌دهند. بر این مبنا منابع قدرت صرفاً مواد خامی مشهود یا غیرمشهودند و یا محمل‌های بستر ساز مناسبات قدرت. منجر شدن یا نشدن مجموعه‌ای معین از منابع به نتایج دلخواه بستگی به رفتارهای شرایط مدار دارد. (نای، ۱۳۹۲: ۴۹) نای پس از این تقسیم‌بندی به نوع سومی از قدرت تحت عنوان قدرت هوشمند اشاره می‌کند. وی بیان می‌کند که من در سال ۲۰۰۴ با طرح اصلاح قدرت هوشمند و به قصد مقابله با سو برداشتی دال بر کفایت تنها قدرت نرم برای یک سیاست خارجی کارآمد، این مفهوم را مترادف توانایی تلفیق قدرت سخت و نرم برای دستیابی به راهبردهای کارگشا عنوان کردم. (نای، ۱۳۹۲: ۵۳) بنابراین شناسایی هر دو نوع قدرت سخت و نرم و استفاده از آنها در شرایط مختلف برای رسیدن به نتیجه است. نگاه نای به

قدرت بر مبنای نگرشی فرارئالیستی است که امروزه می‌توان نمود بارز آن را در عملکرد کشور-های قدرت‌های جهانی مشاهده نمود. در حقیقت بهره‌برداری از توانایی‌های نرم و جلب نظر و رای دیگران در ساماندهی به خواسته‌های خود در محیط بین‌المللی اساس موفقیت و کسب مطلوبیت را در دیدگاه نای تشکیل می‌دهد. از این نظر نای ضمن تقسیم‌بندی سه گانه قدرت در نهایت به بهترین و کارآمدترین نوع آن یعنی قدرت هوشمند اشاره می‌کند.

- قدرت سخت

این نوع قدرت متضمن کاربرد راهبرد زور با استفاده از توان نظامی و اقتصادی علیه کشور مقابل است و نتیجه آن، ایجاد حساسیت منفی در بین دولتمردان، نخبگان و مردم کشور مقابل است. لذا پذیرش سیادت کشور قدرتمند از سرناچاری و اجبار صورت می‌پذیرد. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۵۷) در این راستا می‌توان گفت: قدرت پلیس، قدرت مالی و توان اجیر کردن و آتش زدن نمونه-های ملموس قدرت سخت هستند که از آنها برای تغییر دادن موضع دیگران استفاده می‌کنند. بنابراین قدرت سخت برتشویق و تهدید استوار است. (یزدان فام، ۱۳۸۸: ۱۱۳) در اندیشه نای قدرت سخت را می‌توان قدرت کمی دانست. تحلیلگران گوناگون سالها برای دستیابی به فرمول-هایی برای کمی کردن قدرت در مناسبات جهانی و سنجش آن کوشیده‌اند. (نای، ۱۳۹۲: ۲۴) مفهوم قدرت سخت متعلق به دورانی است که دیدگاه رئالیستی در مورد شرایط و اوضاع حاکم بر محیط بین‌المللی وجود داشت. تاپایان حاکمیت نظام دوقطبی و منطق جنگ سرد بر محیط بین‌الملل و میزان تعدد نظامی بازیگران و غنای تجهیزاتشان عینیت می‌بخشیدند. بنابراین دیدگاه قدرت سخت عبارتست از توان اجبار با توسل به اقدامات، ابزارها و تصمیمات آشکار و مستقیم. مبنای نگرش واقع‌گرایی مهمترین منبع فکری قدرت سخت است. مهمترین ویژگی قدرت سخت نمایان بودن منابع آن است. گسترش تسلیحات نظامی و سخت‌افزاری، بکارگیری موقعیت‌های کاربردی و دارای اهمیت استراتژیک نظامی، اهمیت یافتن روش‌های میلیتاریستی در حکومتداری و سیاست خارجی جنبه‌های آشکار استفاده از قدرت سخت است. عواملی مانند وسعت جغرافیایی، اقتصاد قوی مبتنی بر روابط گسترده تجاری و بازرگانی، جمعیت زیاد و ایستایی حکومت از دیگر منابع قدرت سخت است. (نای، ۱۳۹۲: ۵۷)

- قدرت نرم

مفهوم تازه قدرت در اندیشه نای از نقطه‌ای سرچشمه می‌گیرد که مبحث توانایی تغییر رفتار در برابر توانایی انجام کار یا اجبار کنندگی مطرح گردید. نای معتقد است که در آینده قدرت از آن کسی است که بتواند در رفتار دیگر بازیگران توانایی ایجاد تغییرات دلخواه خودش را ایجاد کند. در حقیقت اعمال قدرت نرم از دیگران برای همکاری در جهت نیل به اهداف استفاده می‌کند.

پس ایجاد حس ترغیب به همکاری نقش مهمی در اعمال نرم افزارانه قدرت دارد. از دیدگاه ژوزف نای قدرت نرم عبارتست از توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه نه اجبار یا تطمیع، که کلاً از جاذبیت فرهنگ، ایده آل‌های سیاسی و سیاست‌های یک کشور ناشی می‌شود. (محمدی، ۱۳۹۰: ۴۲) این نوع قدرت متضمن استفاده از استراتژی اقناع، مقبولیت و پذیرش داوطلبانه و در یک کلام نفوذ اجتماعی، روحی و معنوی در جامعه هدف است تا صاحب قدرت، حوزه نفوذ فضایی و ژئوپلیتیک خود را گسترش دهد. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹: ۶۵)

بنابراین نای معتقد است که اثبات قدرت در گروهی منابع قدرت نیست، بلکه در توانایی تغییر رفتارهای کشورهای دیگر است. (نای، ۱۳۸۲: ۳۶۵) بنابراین قدرت نرم عبارت است از توان اثر گذاری بر دیگران از طریق اهرم‌های تعیین چارچوبی مشخص برای برنامه کار، ایجاد رغبت در راستای کسب نتایج دلخواه... (نای، ۱۳۹۲: ۵۷)

- قدرت هوشمند

دلیل مطرح شدن قدرت هوشمند از سوی نای، ناکارآمدی و محدودیت‌های بکارگیری قدرت سخت و نرم است. کار ویژه خاص هر کدام از این دو نوع موجب بوجود آمدن مشکلات فراوانی برای کشورها در راه کسب منافع خویش است. نای در خصوص ناکارآمدی قدرت سخت صرف بیان می‌کند که فرایند تبدیل قدرت از منابع به نتایج رفتاری، یک متغیر میانی حساس و تعیین کننده است. برخورداری از منابع قدرت، ضامن کسب نتایج دلخواه در همه شرایط نیست. لازمه تبدیل منابع به قدرت ملموس، به مفهوم کسب نتایج دلخواه، راهبردی بهینه و مدیرتی آگاه است که قدرت هوشمند نامیده می‌شود. (نای، ۱۳۹۲: ۳۲) نای معتقد است قدرت هوشمند برآیندی از نقاط ضعف و قوت قدرت‌های سخت و نرم و تلفیقی از بکارگیری هر دو نوع قدرت سخت و نرم است از منظر دیدگاه وی در قدرت هوشمند قدرت سخت بازتعریف می‌شود و قدرت سخت با توانایی و قدرت نظامی در تعامل با بکارگیری پتانسیل مناطق ژئواستراتژیک است و زمانی که قدرت سخت از طریق قدرت نرم بکار گرفته می‌شود قدرت هوشمند ایجاد می‌کند (نای، ۱۳۹۲: ۳۷) در تقسیم بندی سه گانه نای از قدرت هر کدام از عناصر قدرت سخت، نرم، هوشمند در جایگاه خود مفید هستند و قدرت هوشمند تلفیقی از ترکیب دو قدرت سخت و نرم و تبدیل آن به راهبردهایی برای شرایط دگرسان است. (نای، ۱۳۹۲: ۱۶) وی معتقد است که ایالات متحده با توجه به هر چه بیشتر به آن چیزی که کشورهای دیگر فکر می‌کنند و اقدام هماهنگ نظامی و اقتصادی موفق شده است قدرتی هوشمند پدید آورد. از این رو کشور-های کمی می‌توانند قدرت هوشمند به دست آورند، زیرا قدرت سخت کافی در اختیار ندارند. (محمد حسینی، ۱۳۹۱: ۱۵۱) در این رابطه آن گروه از کشورهایی که در جنگ‌هایی خود به

موازات ابزارهای قدرت سخت از ابزارهای قدرت نرم نیز بهره گرفته باشند، جنگ هوشمند را پیشه کردند. در چنین فرآیندی از تحول و دگرگونی در معادله قدرت، نشان داده می‌شود که جنگ نرم در مدار گذار قرار گرفته و به تدریج توسط جنگ هوشمند جایگزین خواهد شد. (متقی، ۱۳۹۱: ۱۵۶) با این توضیح صرفاً کشورهایی می‌تواند از چنین ابزارهایی در قدرت هوشمند استفاده نمایند که دارای تنوع قدرت و ابزارهای کاربرد قدرت در این زمینه را داشته باشند.

ایران و تحریم‌های بین‌المللی

تحریم بین‌المللی به اعمالی گفته می‌شود که از سوی یک کشور علیه کشور دیگر، به تنهایی یا به کمک کشورهای دیگر و برای مجازات این کشورها، با اهداف محروم ساختن آنها از انجام برخی مبادلات یا وادار ساختن آنها به پذیرش هنجارهایی معین و مهم اجرا می‌شود. (هاشمی، ۱۳۹۰: ۵۱) و تحریم‌های اقتصادی؛ مجموعه اقدامات خرابکارانه‌ای است که ضمن دستکاری در روابط و همکاری‌های اقتصادی، تأمین اهداف سیاسی خاص را مد نظر دارد. اینگونه تحریم‌ها اقدام برنامه‌ریزی شده یک یا چند دولت از طریق محدود کردن مناسبات اقتصادی برای اعمال فشار بر کشور هدف با مقاصد مختلف سیاسی است. بنابراین تحریم، نوعی جریمه است که با هدف واداشتن تحریم شونده به اطاعت از اراده مطلوب سیاسی صورت می‌گیرد. (زهرایی، ۱۳۸۶: ۸)

- تحریم‌های ایالات متحده آمریکا

در سال‌های اخیر آمریکا به طور فزاینده‌ای از تحریم‌های اقتصادی به عنوان وسیله‌ای برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی استفاده کرده است و به طور یک جانبه و یا به صورت غیرمستقیم از طریق نفوذ خود در سازمان ملل متحد و شورای امنیت تحریم‌های اقتصادی را علیه برخی از کشورها که خواسته‌هایش را به چالش کشیده‌اند، تحمیل نموده است. نخستین تحریم جامع سراسری علیه ایران در دوران معاصر، تحریم ایران از سوی انگلستان در واکنش به انتخاب دکتر محمد مصدق به وزارت بود که وی هدف ملی سازی صنعت نفت را دنبال می‌کرد. بنابراین اولین قطعنامه شورای امنیت علیه ایران در زمان نخست وزیری محمد مصدق و در راستای واکنش علیه ملی شدن صنعت نفت ایران صادر شد. اما آمریکا نیز در سال ۱۹۸۰ تحریم‌های اقتصادی وسیعی را در واکنش به تسخیر لانه جاسوسی در تهران علیه ایران وضع نمود. دولت آمریکا پس از آنکه تمامی راه‌های سیاسی و نظامی ممکن برای واداشتن ایران به آزادسازی جاسوسانش در تهران را تجربه کرد، حربه تازه‌ای به نام محاصره اقتصادی را علیه جمهوری اسلامی ایران به کار گرفت و در روز اول خرداد ۱۳۵۹ رسماً آغاز حصر اقتصادی علیه ایران را اعلام نمود. این تحریم تنها تحریم اعمالی آمریکا بر ضد ایران اسلامی نبود بلکه سرآغازی بر داستان پر فراز و

فرود تحریم‌های ایران بود به گونه‌ای که در دوره زمامداری بیل کلینتون، روند تحریم‌های ایران شدت گرفت به واقع در سال ۱۹۹۵، کلینتون رئیس جمهور وقت آمریکا اقدام به وضع تحریم-هایی نمود که به موجب آن شرکت‌های نفتی آمریکایی از سرمایه‌گذاری در طرح‌های نفت و گاز ایران منع شده بودند. همچنین روابط بازرگانی با ایران نیز یک‌جانبه قطع گردید. (مردانی و بهمنی، ۱۳۹۴: ۳۳)

قابل ذکر است که از سال ۲۰۰۱، دو پدیده جدید در عرصه سیاست تحریم اقتصادی ظاهر شد: نخست، پیدایش و گسترش تحریم اقتصادی علیه افراد و سازمان‌های غیر دولتی؛ دوم، گسترش فزاینده تحریم‌های هوشمند.

بی شک پرونده هسته‌ای ایران دیگر عامل مهمی است که موج جدید تحریم‌ها را بر ضد ایران روان ساخت. در تاریخ ۲۳ مرداد ۸۱ دروغ‌گویی‌های منافقین با بهره بردن از ظرفیت‌های نظام رسانه‌ای استکبار، حمله سازمان یافته‌ای به این بهانه را در سطح گسترده‌ای علیه ایران اسلامی تدارک دید و در پی آن تحریم‌های ایران به موازات گسترش کیفی، گسترش کمی را تجربه کرد. (مازینی، ۱۳۸۷: ۱۱)

- تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل

قطعنامه‌های شورای امنیت علیه برنامه هسته‌ای ایران ضمن آنکه مجموعه تحریم‌های جدیدی را علیه جمهوری اسلامی ایران به تصویب می‌رساند، چارچوب قانونی جدیدی را در اختیار آمریکا قرار می‌داد تا تحمل تحریم‌های یکجانبه را برای ایران سخت‌تر کند. پس از محکومیت برنامه هسته‌ای ایران طی شش قطعنامه شورای امنیت، موضوع برنامه هسته‌ای ایران ابعادی بین‌المللی به خود گرفت. البته این تحریم‌ها به طور مستقیم اقتصاد ایران را مورد هدف قرار نمی‌داد اما در عین حال این تحریم‌ها برای ضربه زدن به اقتصاد ایران طراحی شده بودند. برای مثال همواره ادعا شد که تحریم بانک سپه و کشتیرانی ایران، صرفاً به لحاظ ارتباطات مشکوک این دو نهاد با پرونده هسته‌ای ایران صورت گرفت.

قطعنامه شماره ۱۶۹۶، قطعنامه شماره ۱۷۳۷، قطعنامه شماره ۱۷۴۷، قطعنامه ۱۸۰۳، قطعنامه شماره ۱۸۳۵، قطعنامه شماره ۱۹۲۹، قطعنامه ۱۹۸۴، هفت قطعنامه تحریمی شورای امنیت علیه جمهوری اسلامی در خصوص پرونده هسته‌ای است.

- تحریم‌های اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا از ۲۷ فوریه سال ۲۰۰۷ برابر با هشتم اسفند ۱۳۸۵ و در پیروی از قطعنامه شورای امنیت، اقدام به اعمال برخی محدودیت‌ها در ارسال قطعات، تجهیزات و فناوری‌ها به ایران کرد که می‌توانست در پیشبرد فناوری‌های موشکی و هسته‌ای موثر واقع شود. این محدودیت-

ها در سال‌های بعد گسترش یافت و تجهیزات و فناوری‌های بیشتری را شامل شد. همچنین از آن زمان بازرسی کالاهای ارسال شده به ایران از طریق مسیرهای زمینی و دریایی افزایش یافت. (پوراحمدی: ۱۵، ۱۳۸۳)

- تحریم‌های نفتی

تحریم‌هایی که بخش نفت و گاز ایران را نشانه گرفته مجازات‌هایی را برای شرکت‌هایی که به طرق مختلف به توسعه فعالیت‌های مختلف صنعت نفت و گاز ایران کمک نمایند در نظر گرفته است. مطابق با تحریم‌های مذکور، تخطی از مقررات مصوب توسط دولت آمریکا مجازات‌هایی را علیه شرکت‌ها و افرادی به همراه خواهد داشت که این مهم شامل شرکت‌هایی می‌شود که ۲۰ میلیون دلار و یا بیشتر را طی یک دوره ۱۲ ماهه سرمایه‌گذاری نمایند که این سرمایه‌گذاری به توانایی ایران برای توسعه منابع نفتی خود بیافزاید. منابع نفتی نیز شامل نفت، محصولات نفتی پالایش شده، تانکرهای نفت یا گاز طبیعی مایع شده و محصولات می‌شود که برای ساخت یا حفاظت از خطوط لوله که در حمل و نقل کلیه محصولات نفتی بکار می‌رود. (امانی، ۱۳۸۹: ۵۷) همچنین مطابق با بند ۲۳ تحریم‌های اتخاذ شده توسط اتحادیه اروپا در ژوئیه ۲۰۱۰، کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیز بایستی فروش، عرضه و یا انتقال هر گونه تجهیزات و فناوری‌های کلیدی و همچنین کمک‌های تخصصی و مالی که می‌تواند در بخش‌های کلیدی صنعت نفت و گاز طبیعی ایران مورد استفاده قرار گیرد را ممنوع نمایند. در عین حال کشورهای عضو باید هر گونه سرمایه‌گذاری‌های جدید در بخش‌های مذکور ایران را ممنوع نمایند. برخی از مهمترین تحریم‌های ایالات اتحادیه آمریکا، اتحادیه اروپا و شورای امنیت بر ضد ایران عبارتند از: انتقال پول و منابع مالی به ایران و از ایران به سایر نقاط دنیا، تحریم همکاری‌ها و مراودات بانکی با ایران، ممنوعیت بیمه، تحریم خدمات ارسال پیام‌های مالی به ایران، تحریم اسکناس، طلا، الماس و فلزات گرانبها، تحریم اعطای وام، کمک‌های مالی و کمک‌های ترجیحی به دولت و نهادهای مالی دولت، ممنوعیت واردات و صادرات محصولات پتروشیمی، تحریم مرتبط با کشتیرانی و کشتی‌سازی، تحریم تجهیزات کلیدی صنایع نفت، گاز و پتروشیمی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سازمان انرژی اتمی و شرکت‌های تابعه و...

ایران و ابزارهای قدرت

۱- ایران و ابزارهای قدرت سخت

براساس نتایج به‌دست آمده در این تحقیق از عوامل با اهمیت در قدرت سخت ایران که موجب توانمندی ژئوپلیتیکی و نقش آفرینی در عرصه ژئواستراتژیکی آن می‌شود به سه مورد اساسی اشاره می‌گردد که عبارتند از: داشتن سواحل طولانی و تسلط بر نقاط استراتژیک آن،

واقع شدن در دو حوزه بزرگ انرژی و قرار گرفتن در راه اتصال کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به آب‌های آزاد است. لذا شیوه بهره‌گیری صحیح از این عوامل می‌تواند در راستای قدرت هوشمند ایران مؤثر واقع گردد. در این راستا بررسی مستقل هریک از آنها در این تحقیق ضروری خواهد بود.

۱- سواحل طولانی و تسلط بر نقاط استراتژیک

همجوارای ایران با سه دریای خزر، خلیج فارس و دریای عمان علاوه بر سهولت ارتباط دریایی و مسئله صادرات و واردات، موقعیت ژئوپلیتیکی خاصی را به ایران بخشیده است. به طوری که ایران در تمام حوزه‌های ژئوپلیتیکی مجاور خود یعنی حوزه قفقاز آناتولی، حوزه ژئوپلیتیکی خلیج فارس، حوزه ژئوپلیتیکی دریای عمان و اقیانوس هند، حوزه ژئوپلیتیکی فلات ایران، حوزه ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی و در کل حوزه ژئوپلیتیکی دریای خزر دیده می‌شود. همچنین در اختیار داشتن جزایر بسیار مهم در خلیج فارس و تسلط بر تنگه استراتژیک هرمز، این کشور را از موقعیت برتر جغرافیایی برخوردار می‌سازد. (پور مهرانی، ۱۳۸۹: ۱۴) از طرفی ایران با داشتن سواحل طولانی در دریای خزر، از آستارا تا خلیج حسین قلی‌خان به طول ۶۶۰/۱ کیلومتر (محمدحسینی، ۱۳۹۱: ۶۶۰) در خلیج فارس از (دهانه فاو تا بندرعباس) بدون احتساب شکستگی‌های ساحلی به طول ۱۳۵۹ کیلومتر و در دریای عمان از بندرعباس تا بندر گوادر (بدون احتساب شکستگی‌های ساحلی به طول ۷۹۶/۱) کیلومتر اهمیت جغرافیایی آن را دو چندان می‌کند. بر این اساس سواحل طولانی دریای خزر به علت مزیت نسبی جغرافیای ایران در آن به دلیل قرارگیری در سر راه اروپا و خاورمیانه از یک سو، قفقاز و آسیای مرکزی از سوی دیگر بر برتری قدرت سخت ایران تأثیر مثبت می‌گذارد. همچنین در اختیار داشتن سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان و تسلط بر نقاط استراتژیک از جمله تنگه هرمز و جزایر با اهمیت آن در عرصه ژئواستراتژیک و نیز به دلیل ترانزیت کالا و انرژی جهان از این آبراهه موجب برتری جغرافیای در فضای قدرت سخت ایران شده است. از این رو بهره‌برداری از مجموع سواحل آبی و تسلط بر نقاط استراتژیک آن در ایده استراتژی قدرت منطقه‌ای ایران به عنوان ابزار قدرت سخت لازم می‌باشد.

۲- واقع شدن در دو حوزه بزرگ انرژی

ایران به همراه منطقه خلیج فارس و حوزه خزر در مجموع ۷۰ درصد از ذخایر شناخته شده نفت و ۴۰ درصد از ذخایر اثبات شده گاز جهان را در اختیار دارند. سهم انرژی منطقه خزر اگر چه قابل مقایسه با حوزه خلیج فارس نیست، اما راهی بهتر از مسیر ایران برای صدور به بازارهای جهانی ندارد و این موضوع بر اهمیت ژئوپلیتیک انرژی ایران می‌افزاید. (دامن پاک

جامی، ۱۳۸۸: ۲۲۵) از دیدگاه جفری کمپ که در ژئوپلیتیک انرژی ایران کار کرده، وی معتقد است این کشور به دلیل اینکه در فضای ناامن منطقه‌ای قرار دارد، باید از طریق تولید قدرت به ویژه در حوزه انرژی و همچنین گسترش همکارهای منطقه‌ای بر نشانه‌های ناامنی منطقه غلبه نماید. (سلیمی، ۱۳۸۸: ۲۳) از این‌رو به دلیل وابستگی شدید غرب و نیز کشورهای شرق به نفت و گاز، این دو حوزه بخش حساسی از شبکه انتقال انرژی در عرصه استراتژیک جهانی کشورهای مصرف‌کننده می‌باشد. بنابراین واقع شدن ایران در حوزه بزرگ انرژی به عنوان نقطه اعمال فشار، اهمیت راهبردی خاصی دارد. زیرا تهدید به قطع عبور نفت و گاز، جهان را با بحران سختی روبرو خواهد کرد. این موضوع به دلیل اهمیت ویژه و جهانی در حیطه استفاده ابزاری قدرت سخت ایران در استراتژی قدرت هدفمند آن مورد توجه قرار می‌گیرد.

۳- قرار گرفتن در راه اتصال آسیای مرکزی و قفقاز به آب‌های آزاد

موقعیت جغرافیایی خاص ایران به گونه‌ای است که در مرکز ثقل یکی از بزرگ‌ترین شبکه‌های ارتباطی جهان قرار گرفته و همچون پلی اروپا را به خاور دور و مهم‌تر از همه کشورهای محصور در خشکی آسیای مرکزی و قفقاز را به آب‌های آزاد جنوب وصل می‌کند. (پور مهرانی، ۱۳۸۹: ۴۰) در همین رابطه ایران از لحاظ ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، طی دو قرن اخیر دقیقاً در حد فاصل استراتژی‌های قدرت‌های بزرگ جهانی و رقیب قرار گرفته بود و نقش حایل رادر فرآیند رفتارهای رقابت آمیز آنها بازی کرده است. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۵۱) بر این اساس پس از فروپاشی شوروی سابق و نیاز کشورهای این حوزه به ترانزیت کالا که توأماً با نیازمندی‌های قدرت‌های بزرگ برای عبور انرژی این منطقه و تسلط منابع آن همزمان شده است، بار دیگر اهمیت ایران و نقش آن در این حوزه پررنگ‌تر گردید. در واقع قرار گرفتن در چنین موقعیتی به عنوان ابزار قدرت سخت در شکل‌گیری استراتژی هوشمند ایران کاربرد خواهد داشت. در مجموع الگوهای استفاده از ابزارهای ذکر شده در قدرت سخت، شرایط مناسبی را جهت تدوین استراتژی قدرت هدفمند ایران به وجود خواهد آورد. لذا شرط لازم می‌باشد ولی کافی نیست. موضوعاتی همانند هوشیاری، همراهی، همگرایی، تنش‌زدایی، توسعه‌گرایی و تکیه بر قدرت ژئوپلیتیک انرژی درزمره عوامل و عناصر قدرت نرم هستند که در تدوین استراتژی هوشمند ایران باید به آن توجه ویژه‌ای داشته باشیم. در ادامه به هریک از آنها اشاره‌ای خواهیم کرد.

۲- ایران و ابزارهای قدرت نرم

در راستای تبیین و ارتقای جایگاه ایران در سطح منطقه و جهانی به ناچار باید مبانی و اهداف سیاست خارجی ایران با ترکیب عناصر قدرت نرم، مورد باز تعریف قرار گیرد. در این بخش از پژوهش به تأثیرگذارترین آنها در قدرت نرم ایران اشاره می‌گردد:

- آگاهی در برابر توطئه بیگانگان

آگاهی و بیداری در مقابل توطئه‌ها و نقشه‌های بیگانگان از لوازم مقابله با تهدیدات خارجی می‌باشد. غرب از آغاز انقلاب اسلامی ایران، از رسانه‌های گروهی برای جنگ روانی علیه آن استفاده کرده است. از جمله اتهام تروریست بودن، نقض حقوق بشر و تولید سلاح‌های هسته‌ای که این کشور می‌بایست برای مبارزه با چنین جنگ روانی از سوی دشمن در جهت زدودن این اتهامات نزد افکار عمومی جهان اقدام مؤثر نماید. (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۱۷۱) در این رابطه استراتژی هوشیاری برای مقابله با جریان روانی دشمنان در دفع تهدیدات ایران و یا هر کشور دیگری نقش با اهمیتی دارد. این استراتژی همراه با قدرت سخت در کنار آمادگی نظامی و دفاعی، برای ایران، بسیار هوشمند و مؤثر خواهد بود. از اینرو تصمیم‌گیران عرصه استراتژی هوشمند باید هوشیاری و آگاهی خود را در مقابل توطئه دشمنان علیه ایران بیفزایند و با آمادگی کامل چهره دشمن را شناسایی کنند.

- همسویی (با ایده جهان چند قطبی)

کشورهای جهان سوم و در حال توسعه، روند امور در ساختار نوین نظام بین‌الملل را باید به سمت شکل‌گیری نظام چند قطبی تصور نمایند. (حسینی متین، ۱۳۹۱: ۲۷) ایران هم به دلیل شرایط کنونی خود که سیاست مبارزه با هژمونی ایالات متحده در سطح جهان را ادامه می‌دهد، اکنون از سوی آن کشور با تحریم‌های هوشمند شامل تحریم‌های شدید بر ضد صنایع نظامی، بنیادهای مهم اقتصادی، بخش انرژی و مصرفی مواجه است. در صورت پیگیری ایده چند قطبی ایران با سایر کشورهای جهان به ویژه در خاورمیانه، توانایی آن کشور با توجه به تفکر اندیشمندانی مانند باری بوزان که می‌گوید: داشتن چنین استراتژی از سوی کشورها ممکن است از اهمیت موازنه قدرت در سطح جهان برخوردار گردند (بوزان و یور، ۱۳۸۰: ۴۸) قابل اهمیت است. در صورت داشتن چنین شرایطی ایران خواهد توانست در جهت رفع تهدیدات خود از عدم همسویی و یا برخورد با منافع اروپا و ایالات متحده در عرصه‌ها و موضوعات گوناگون آتلانتیکی، پاسفیکی از خود در راستای موازنه قدرت‌های جهانی استفاده هوشمند برده باشد.

- یکپارچگی (منطقه‌ای)

جغرافیا و نزدیکی اقلیمی به همراه منافع و نیازها با نگرش و نگاه مشترک ذهنی و هویتی در کنار بکارگیری رابطه هماهنگ با شیوه کنش جهانی موجب همگرایی کشورها در یک منطقه خواهد شد. (محمدی، ۱۳۹۰: ۲۷) با این استدلال، ایران در صورت همراهی با ایده جهان چند قطبی می‌تواند در حوزه‌های مختلف، ائتلاف هوشمندانه با کشورهای اطراف منطقه خود داشته باشد. ائتلاف امنیتی در حوزه خلیج فارس، ائتلاف سیاسی-اقتصادی در آسیای مرکزی و قفقاز،

ائتلاف امنیتی و اقتصادی با هند، ائتلاف سیاسی، اقتصادی در ترکیه، ائتلاف سیاسی با مصر، عربستان، سوریه و عراق در جهت سیاست‌های ضد اسرائیلی، هماهنگی و همکاری اقتصادی با چین و اروپا (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۱۷۶) از جمله این یکپارچگی منطقه‌ای در حوزه‌های اطراف ایران خواهند بود. در این راستا، ایران در صورت استفاده مناسب از پتانسیل مجاورت جغرافیایی، روابط تاریخی، تماس‌های قومی، زبانی و گرایش‌های مذهبی در کنار ایده جهان چند قطبی، ضمن ائتلاف در حوزه‌های یاد شده می‌تواند وزن ژئوپلیتیکی خود را در استراتژی‌های قدرت هوشمند افزایش دهد.

- برطرف کردن تنش‌های بین‌المللی

در نگاه کلی، تنش‌زدایی سیاست عمل گرایانه‌ای است که در فرآیند عادی سازی روابط با همه کشورها - اصل همزیستی، همگرایی و همکاری را در مرکز ثقل خود قرار می‌دهد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۴۵۶) از این دیدگاه، اعتماد سازی را می‌توان ادامه سیاست تنش‌زدایی دانست که زمینه را برای طرح قالب‌های گفت‌وگویی نوین فراهم می‌کند. (ترابی، ۱۳۸۹: ۱۰۹) از آنجا که یکی از ابزارهای مورد استفاده دشمنان در جنگ نرم، تنش‌زایی برای ایران در عرصه بین‌المللی می‌باشد (هاشمی، ۱۳۹۰: ۱۱۲) لذا استراتژی تنش‌زدایی باید در سیاست‌های ایران در عرصه قدرت هوشمند مورد توجه بیشتر قرار گیرد. زیرا در صورت اجرای دقیق آن به تقویت، توسعه، صلح، امنیت و تثبیت منافع ایران در سطح بین‌الملل کمک خواهد شد. البته در راهبرد سیاست خارجی ایران توجه به این نکته لازم است که سیاست تنش‌زدایی با همه کشورهای جهان به جز با رژیم صهیونیستی که اساس وجود آن را قبول ندارد، پیش بینی شده است.

- توسعه محوری

توسعه یکی از صور خاص تغییر و دگرگونی است که در آن یکسری تحولات و تغییرات بنیادی در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه به وقع می‌پیوندد. (طاعت و موسوی، ۱۳۹۰: ۳۷) در عصر جهانی شدن، توسعه گرایی بازار محور، در اولویت سیاست‌های کلان بسیاری از کشورهای قرار گرفته و طی کردن مسیر آن و تمرکز بر قدرت نرم یکی از ضرورت‌های دنیای امروز است. در حال حاضر حتی در صورت داشتن کشورهای در حال توسعه در خاورمیانه، این منطقه اسیر دو روند غیرتوسعه‌ای می‌باشد، یکی روند ناشی از نگرش‌های داخلی آن کشورها که مبتنی بر قدرت سخت است و دغدغه‌های امنیتی و نظامی را در اولویت قرار می‌دهند. دوم انتقال تقابل‌های حوزه قدرت سخت فضای سایر کشورها، به ویژه قدرت‌های بزرگ در خاورمیانه. لذا هوشیاری در این فضای متداخل غیرتوسعه‌ای در کشورهای خاورمیانه که یکی از مناطق بحرانی در جهان است، کاری دشوار خواهد بود. از اینرو ایران، با دو چالش رو به رو است: از یک سو، نحوه

آماده سازی کشور برای ورود به عرصه اقتصاد جهانی و از سوی دیگر، ورود آن به عصرآزادی اطلاعات و ارتباطات. در این راه چگونگی گسترش و سازماندهی مجدد روابط خارجی مطلوب با غرب یکی دیگر از چالش‌های موجود می‌باشد. (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۳۸۱) اگر ایران این مشکلات را حل کند می‌تواند نقش مؤثر و با نفوذی را با تقویت مبانی قدرت نرم خود در سیاست جهانی، در آینده بر عهده گیرد. تقویت این عنصر در قدرت نرم می‌تواند در داشتن استراتژی قدرت منطقه‌ای ایران تأثیر مثبت بگذارد.

- ژئوپلیتیک انرژی (تکیه بر قدرت نفت و گاز)

در جغرافیای سیاسی بررسی توانایی و قدرت یک کشور به میزان قابل توجهی به منابع معدنی آن بستگی دارد. تجهیز و بهره برداری صحیح از منابع معدنی موجود از معیارهای عمده قدرت ملی یک کشور به شمار می‌رود. هر اندازه دولتی از منابع و امکانات بیشتری برخوردار باشد، نقش آن در روند تحولات منطقه‌ای بیشتر است. در ایران از جمله منابع با ارزش و جهانی آن، وجود ذخایر غنی نفت و گاز می‌باشد. نیاز به انرژی در دنیای صنعتی امروز، دگرگونی‌هایی را در میزان قدرت دولت‌های بزرگ ایجاد کرده است. مثلاً در حوزه خلیج فارس که ذخایر بزرگ نفت و گاز وجود دارد، کنترل و انتقال آن موجب رقابت شدید قدرت‌های بزرگ می‌گردد.

این امر از نظر سیاست جهانی، اهمیتی انقلابی دارد، زیرا قدرتی که نفت و گاز ایجاد می‌کند بسیار زیاد است. هنگامی که کشورهای صادر کننده آن، قادر به همکاری و هماهنگی در سیاست‌های خود باشند، قادرند خواسته‌های خود را بر کشورهای مصرف کننده تحمیل نمایند. (جعفری ولدانی، ۱۳۸۲: ۲۴)

ایران و ابزارهای قدرت هوشمند

۱- جلب حمایت حداکثری کشورها جهت عدم همراهی با تحریم‌های بین‌المللی

حمایت یا عدم حمایت کشورها از اعمال تحریم‌ها و مشارکت آنها در اجرای آن در موفقیت یا عدم موفقیت آن تأثیر بسزایی دارد. به عبارتی تأثیر تحریم‌ها تا حد قابل ملاحظه وابسته به حمایت بین‌المللی است. در این بین، کشورهای منطقه و همجوار از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. چند جانبه‌گرایی مسئله‌ای مهم در زمینه تحریم است زیرا گفته می‌شود تأثیر تحریم‌ها را افزایش خواهد داد هرچند تعداد متحدان تجاری که در یک تحریم شرکت می‌کنند افزایش یابد، اعتبار تهدید علیه کشور هدف افزایش خواهد یافت.

با توجه به جدول زیر ملاحظه می‌شود که اتحادیه اروپا به عنوان هم‌پیمان ایالات متحده در تحریم‌های نفتی علیه ایران، حدود ۱۸ درصد از صادرات نفت خام و کندانسه ایران را به خود اختصاص داده است. این در حالی است که سهم واردات نفتی اتحادیه اروپا از نفت ایران

در حدود ۳۵ درصد می‌باشد که بیانگر این است که سهم عمده‌ای از نفت اتحادیه اروپا از ایران تأمین می‌شود که به دلیل زمان‌بر و هزینه‌بر بودن جایگزینی احتمالی تجهیزات پالایشگاهی نفتی در اروپا که بر اساس نفت با خصوصیات مشابه نفت ایران طراحی گردیده است. می‌توان ادعان نمود که اتحادیه اروپا زیان بیشتری را از تحریم‌های نفتی ایران نسبت به ایران خواهد دید چرا که ایران با رصد نمودن بازارهای جهانی نفت، مشتریان جدید و بالقوه خود را خواهد یافت که این امر کارایی تحریم نفتی ایران را تا حد زیادی کاهش می‌دهد. این مسئله سبب شده است تا کشورهای عضو اتحادیه اروپا با وجود آنکه اول ژوئیه را به عنوان تاریخ تحریم خرید نفت از ایران تعیین کرده‌اند ولی به دنبال راهی برای کاستن از بار تحریم‌ها بر روی کشورهای اتحادیه است، چنانچه دولت‌های انگلیس و فرانسه به دنبال متقاعد کردن دیگر کشورهای اتحادیه اروپا برای به تعویق انداختن منع بیمه نفت کش‌های حامل نفت ایران هستند. انگلیس نگران است قیمت نفت در نتیجه اختلالات ناشی از نبود پوشش بیمه‌ای پیش از اول ماه ژوئیه به شدت افزایش یابد.

جدول زیر حاکی از آن است که شرکای شرقی ایران یعنی چین، هند، ژاپن و کره جنوبی که در مجموع ۵۸ درصد از نفت خام و کندانسه ایران را خریداری می‌کنند، جزو شرکای اصلی تجاری ایران به شمار رفته که علی‌رغم تحریم‌های نفتی به خرید نفت از ایران ادامه می‌دهند. وضعیت فعلی و تحریم‌های بانکی، موقعیت ممتازی برای مشتریان شرقی ایران از جمله غول‌های نوظهور اقتصادی جهان، چین و هند در راستای تخفیف‌های قیمتی فروش و باز-پرداخت غیر نقدی فراهم آورده است. چین هم اکنون با دارا بودن ۲۲ درصد از سهم صادرات نفت خام و کندانسه ایران، بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران محسوب می‌شود. چین نیاز گسترده خود به نفت را از طریق ۱۵ صادرکننده عمده و جزئی تأمین می‌کند، لذا ارتقاء سهم واردات از ایران می‌تواند با کاهش ریسک‌های تجاری در معاملات نفتی همراه بوده و این به منزله یک مزیت استراتژیک برای این کشور به شمار خواهد رفت. هند نیز توافقاتی با ایران مبنی بر پرداخت ۴۵ درصد از بهای نفت ایران به روپیه و خرید کالای هندی داشته است. عدم پرداخت نقدی نفت وارداتی فرصت‌های اقتصادی مناسبی را برای هند و چین برای فروش محصولات تولیدی خود به ایران فراهم نموده است. لذا تحریم‌های شکل گرفته، فرصت‌های خوبی را برای شرکای ایرانی از جمله شرکای شرقی ایران پدید آورده که همین امر عدم همسویی آن‌ها را با تحریم‌ها موجب شده است.

ارزیابی تاثیرگذاری تحریم‌های بین‌المللی بر قدرت منطقه‌ای ژئوپلیتیک ایران در خاورمیانه

صادرات نفت خام و کندانسه ایران به کشورهای هدف ۲۰۱۹

ردیف	کشور	درصد از صادرات از ایران	حجم کل واردات خام از ایران (هزار بشکه در روز)	ایران به عنوان درصدی از کل واردات خام
۱	اتحادیه اروپا	۱۸	۴۵۲	۳۵
۲	ایتالیا	۷	۱۸۳	۱۳
۳	اسپانیا	۶	۱۳۷	۱۳
۴	فرانسه	۲	۴۹	۴
۵	آلمان	۱	۱۷	۱
۶	انگلیس	۱	۱۱	۱
۷	چین	۲۲	۵۴۳	۱۱
۸	ژاپن	۱۴	۳۴۱	۱۰
۹	هند	۱۳	۳۲۸	۱۱

منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۹

اکنون تحولات صورت گرفته در عرصه ژئواستراتژیکی و تبدیل آن به ژئواکونومیکی در رویکرد-های ژئوپلیتیکی، منابع نفت و گاز در معادلات جهانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. در این میان، ایران در کانون منطقه‌ای قرار گرفته است که در تولید و انتقال نفت و گاز جهان نقش حیاتی ایفا می‌کند. به طوری که برخی کارشناسان آن را قلب جهان می‌نامند. از اینرو در ژئوپلیتیک انرژی جهان، ایران از دو جهت در کانون توجه قرار گرفته است. یکی موقعیت ژئوپلیتیک ایران و قرار گرفتن در کانون بیضی انرژی جهان به دلیل قرار گرفتن در هارتلند انرژی یعنی واقع شدن در سه حوزه بزرگ انرژی نفت و گاز جهان (خلیج فارس، دریای خزر، سیبری غربی)، دیگری موقعیت ایران از لحاظ مسیرهای انتقال انرژی و نقش حیاتی این کشور در امنیت جهانی انرژی که بر سر راه انتقال نفت و گاز در غرب و شرق قرار دارد. (مختاری هشی و نصرتی، ۱۳۸۹: ۱۱۶-۱۱۲) همچنین براساس آمارهای موجود ایران با ذخیره حدود ۸۳۱ میلیارد بشکه نفت بعد از عربستان در رتبه دوم ذخایر جهان و در گاز هم با داشتن حدود ۳۰ تریلیون مترمکعب پس از روسیه رتبه دوم ذخایر جهان را در اختیار دارد.

بنابراین ایران با برخورداری از موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک و با داشتن ذخایر دوم نفت و گاز جهان و موقعیت جغرافیایی مناسب در خلیج فارس، دریای خزر و غرب سیبری از امکان ایجاد انتقال انرژی از شمال به جنوب و غرب به شرق و یا بالعکس را دارا می‌باشد. در چنین وضعیتی منطقه خاورمیانه و در کانون آن ایران از اهمیت خاصی برخوردار است. از اینرو امنیت آن و محیط پیرامونش برای محافل بین‌المللی با اهمیت تلقی می‌گردد. در چنین شرایطی ایران می‌تواند با استفاده از راهکارهای منطقی از موقعیت ویژه خود استفاده لازم را ببرد و امنیت خود را از این فرآیند تامین نماید. این کشور باید به گونه‌ای عمل کند که هر نوع تهدید و ناامنی

برای ایران به همان اندازه تهدید و ناامنی برای منافع مصرف کنندگان به ویژه غرب به وجود بیاید. در این صورت ضرورت تدوین استراتژی انرژی در چهارچوب نظام اقتصاد سیاسی، جهانی یکی از اصلی‌ترین راه‌های مطلوب ایران در جهت تأمین قدرت، ثروت و امنیت یعنی تبدیل به قدرت هوشمند شدن می‌باشد. در این راه بازبینی در سیاست‌ها و رفتارهای صادرات انرژی به ویژه صدور مستقیم انرژی به اروپا به عنوان ابزار مناسب در قدرتمند هوشمند توصیه می‌گردد.

۲- تأثیر ثبات سیاسی بر ثبات اقتصادی و سرمایه‌گذاری

شرط اصلی تعامل با نظام مالی ایران، توجه به نقش روابط بین‌المللی در توانمندسازی اقتصاد داخلی و ارتقای تکنولوژیکی کشور است. ایران نیازمند اقتصادی پویا، توانمند، دانش بنیان و متکی به ظرفیت‌ها، نیروی کار و توانایی‌های درونی است و همکاری‌های بین‌المللی نیز بر همین مبنا و با همین ملاحظه توسعه خواهند یافت. تلاطم، بی‌ثباتی و فضای نااطمینانی شدید مخرب‌ترین اثری است که تحریم‌ها بر اقتصاد کشورها می‌گذارند.

بی‌ثباتی، سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی را کاهش می‌دهد و موجب نوسانات شدید در قیمت‌ها و انتظارات مردم و بازیگران اقتصادی می‌شود، تولید و رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد و باعث افزایش رفتارهای هیجانی و غیر عقلانی می‌شود، اتخاذ تصمیمات بلندمدت را دشوار می‌کند، موجب تقویت بازارهای غیر رسمی و غیر قانونی می‌شود، زمینه فساد را تقویت می‌کند و در یک کلام، بی‌ثباتی، منشاء بسیاری از کاستی‌ها و مفاسد اقتصادی است.

انحلال و تضعیف دستگاه‌ها و نهادهای سیاستگذار و مداخلات سیاسی در امور آنها باعث عدم درک و ارزیابی درست از مشکلات و مسائل اقتصادی و عدم پیش‌بینی مناسب چالش‌های پیش‌رو می‌شود. از این‌رو کشور با راه‌حل‌های عجولانه و گاه خلق‌الساعه رو به رو می‌شود که نه تنها مشکل را حل نمی‌کنند، بلکه بر مشکلات موجود می‌افزایند. بی‌ثباتی‌های اقتصادی موجب می‌شود که بانک مرکزی و سیستم بانکی به جای آنکه بر مسائل کلان و بلند مدت اقتصادی کشور نظیر رشد اقتصادی، تورم، تأمین مالی بین‌المللی، ثبات مالی، اصلاحات بلند مدت نهادی و ساختاری و نظایر آن متمرکز شوند، دغدغه مسائل روزمره همچون نقل و انتقال منابع از کانال‌های جایگزین و غیرمعارف و پرداخت تعهدات معوق را داشته باشند.

بانک مرکزی و سیستم بانکی باید به وظایف اصلی خود، یعنی برنامه‌ریزی و اقدام برای رشد و توسعه اقتصادی و ثبات و استحکام بخش مالی، تعامل سازنده با بازارهای مالی بین‌المللی و پیاده‌سازی استانداردهای روز و ایجاد شفافیت در عملیات نظام بانکی، جهت‌دهی تسهیلات و اعتبارات بانکی به بخش‌های مولد اقتصاد و کمک به ایجاد اشتغال، بپردازند. آفت رشد و توسعه پایدار عوام‌گرایی و ارایه طرح‌ها و وعده‌های ظاهرفریب، غیر کارشناسی و غیرعملی است و بدیهی

است رفع مشکلات اقتصادی، رشد تولید و اشتغال پایدار و تحقق اهداف والای اقتصادی کشور، یک فرایند مستمر و پویا است که نیازمند تلاش مداوم و صبر و امید است و در یک دوره محدود، نمی‌توان و نباید انتظار رفع تمامی کاستی‌ها و مشکلات را داشت.

همراه شدن تحریم‌های مالی، با سیاست‌های پولی و مالی شدیداً انبساطی و ناسازگار و ناهماهنگ در کشور و سرکوب مالی گسترده، منجر به خروج کنترل نرخ ارز از دست بانک مرکزی و سیستم بانکی خارج و افزایش کم سابقه بهای آن می‌شود. آن هم در شرایطی که دولت-ها با وجود قیمت بالای نفت باید منابع کافی برای مدیریت بازار را در اختیار داشته باشند. اما منابع بلوکه شده‌ای که امکان نقل و انتقال آنها وجود ندارند نمی‌توانند سهمی در مدیریت ذخایر ارزی کشور ایفا کنند. در کنار همه این مشکلات، تحریم صنایع کلیدی اقتصاد کشور همچون نفت، گاز، پتروشیمی، کشتیرانی، بیمه، و برخی صنایع اصلی دیگر، زمینه‌های رکود اقتصادی را فراهم می‌سازد.

آنچه پیش از همه اینها ضرورت دارد، تداوم در مسیر عقلانیت و تدبیر و نیازموند مجدد اشتباهات آزموده شده است. تجربه دوره‌های پیشین، نشان می‌دهد که مدیریت کلان اجرایی کشور، چه امر خطیر و حساسی است و نظام بانکی و مالی کشور، تا چه حد می‌تواند از محیط کلان سیاسی کشور متأثر شود. از این‌رو، حفظ ثبات ایجاد شده در نتیجه مجموعه اقدامات سیاسی و اقتصادی دولت، مهم‌ترین اولویت امروز کشور است.

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت آشکار گردید که قدرت هوشمند یک کشور زمانی موثر است که تلفیقی از بکارگیری قدرت نرم و قدرت مستحکم در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی باشد و با اجرای سیاست‌های تتوریک و عملیاتی پدید می‌آید. نظریات مختلفی در این زمینه پیشگام هستند. نظرات لیبرال گرایانه معتقدند که جمهوری اسلامی ایران تنها با اتکا به قدرت-های نظامی نمی‌تواند در پذیرش سیاست‌ها و اقدامات اقتدارگرایانه ایران از سوی سایر ملل و افکار عمومی جهانی موفق باشد و برای سربلندی در این موضوع نیازمند استفاده از عوامل قدرت سخت منجمله بهره‌گیری از خط ساحلی ممتد در سه دریای خزر، فارس و عمان و نقاط استراتژیک آن، قرارگیری در دو منطقه بزرگ انرژی خلیج فارس و دریای خزر و حضور در راه اتصال کشور-های آسیای مرکزی و قفقاز به آب‌های آزاد که خود سبب اقتدار در قدرت ژئوپلیتیکی می‌باشد و نقش آفرینی در عرصه ژئواستراتژیکی دارد. علاوه بر تدبیر در مقابل دشمن، پذیرش و اجرای سیاست‌های جهان چند قطبی، یکپارچگی منطقه محور، رفع تنش، سیاست‌های توسعه محور و تکیه بر قدرت انرژی که از جمله توانمندی‌های ایران در زمینه قدرت نرم می‌باشد می‌تواند

در استراتژی قدرت هدفمند موثر باشد.

در راستای تعریف ژئوپلیتیک و ارتباط آن با انرژی مطالعه نقش و اثر انرژی و جنبه‌ها و ابعاد مختلف آن بر سیاست و قدرت و مناسبات گوناگون ملت‌ها و دولت‌ها ژئوپلیتیک انرژی گفته می‌شود. از این‌رو دسترسی به منابع انرژی از تولید به بازارهای مصرف و مکان‌های فاقد انرژی، موقعیت جغرافیایی تولید کنندگان و مصرف کنندگان، مکان‌های واسط و ترانزیت کننده، مسیر انتقال خطوط لوله از مکان‌های جغرافیایی و چالش‌های دائمی ناشی از انرژی در ابعاد مختلف بین دولت‌ها در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و جهانی باعث شده تا انرژی به یک موضوع مهم ژئوپلیتیکی تبدیل و مفهوم جدیدی را به نام ژئوپلیتیک انرژی رقم بزند. بنابراین با توجه به رویدادهای اخیر سیاسی و اقتصادی در جهان، ژئوپلیتیک انرژی نقش راهبردی‌تر از همیشه در صحنه معادلات جهانی ایفا خواهد کرد. همچنین اهمیت استراتژیک آن به ویژه در بعد قدرت هوشمند برای ایران، که تولید کننده و دارنده ذخایر دوم نفت و گاز جهان و واقع شدن در مسیر ترانزیت آن به ویژه در حوزه خلیج فارس و خزر که اهمیت جهانی نیز دارد، به عنوان یک ابزار در این نوع قدرت غیر قابل انکار می‌باشد.

از آنجا که امروزه معادلات قدرت و امنیت از چارچوب سنتی خارج شده و شکل‌های جدیدی از امنیت و تعاملات امنیتی در جهان پیدا شده است. واقعیت جهان مبین آن است که کشورها درصددند قدرت سخت را به قدرت نرم، زور را به قانون، قدرت را به اقتدار و حمله را به نفوذ تبدیل نمایند. معروف‌ترین نظریه اگر آمریکا تنها آمریکایی است که این گونه آن را معرفی می‌کند. جوزف نای نظریه‌پرداز پیرامون قدرت نرم دو درصد از مبلغ درآمد ناخالص داخلی را به برنامه‌هایی اختصاص دهد که هم آموزش داخلی را ارتقا بخشد و هم کمک‌های مؤثر و اطلاعات مورد نیاز را به خارج برساند، به قدرتی متفاوت و عمیق‌تر از تکمیل نظرات جوزف نای موجب طرح قدرت سخت دست می‌یابد که به آن می‌گوییم قدرت نرم موضوعی تحت عنوان قدرت هوشمند شد که در کتاب قدرت رهبری در سال ۲۰۰۸ به چاپ رسید، بر این اساس ایالات متحده با استفاده از دیپلماسی عمومی و قدرت هوشمند به نفوذ در جامعه هدف می‌پردازد. در این راستا بازیگران ملی و بین‌المللی با استفاده از تحول در ماهیت قدرت و عمدتاً با تکیه بر انواع نرم قدرت به موازات انواع سخت آن، اهداف و منافع خود را در حوزه بسیار گسترده‌تر، آرام‌تر و متنوع‌تر دنبال می‌کنند. این نوع جدید در استراتژی قدرت برخی از کشورها یعنی تلفیق تشویق یا تهدید در کنار شیوه غیر مستقیم به دست‌آوردن خواسته‌ها و آمال از طریق توانایی جذب، معروف به قدرت هوشمند می‌باشد. تنها برخی از کشورها مانند ایالات متحده و کشورهای قدرتمند توانایی اجرایی آن را دارند و بکارگیری آن موجب می‌گردد تا دیگران را وادار برای

خواستن نتایجی که شما می‌خواهید بجای اجبار کردن آن‌ها، افراد را جذب نمایید، شکل می‌گیرد. اجرای آن باید طوری رهبری گردد که در صورت نیاز در قدرت نرم و ترکیب آن با مهارت-های ماکیاوولی گونه قدرت سخت، ترجیحاً اخلاق مدنظر گرفته شود. از این‌رو مشاهده می‌گردد که امروزه غرب به رهبری ایالات متحده در سطح منطقه خاورمیانه به ویژه در حوزه خلیج فارس و اطراف حوزه ژئوپلیتیکی ایران با بکارگیری برخی از فاکتورهای قدرت نرم و هوشمند خود برنامه‌های بلند مدتی را طراحی کرده‌اند. حضور بلند مدت در منطقه، حمایت مستمر از کشور های عربی، وابستگی شدید کشورهای منطقه به آن، انعقاد پیمان‌های مختلف با کشورهای منطقه، حضور نظامی جدی در منطقه، نفوذ در سازمان‌های بین‌المللی، طرح شعارهایی همچون حقوق بشر و مبارزه با تروریسم، نفوذ در میان رهبران و نخبگان و... از جمله پیگیری استراتژی قدرت هوشمند ایالات متحده در خلیج فارس می‌باشد. در این راستا کشورهایی که مانند ایران برخلاف جریان سیاست‌های آنها قرار دارند باید به موازات برنامه‌های آنها از این استراتژی بهره‌مند گردند. مثلاً ایران با شدت و ضعف خود در برخی از موارد استفاده از قدرت سخت و نرم می‌تواند توانمندی در اجرای قدرت هوشمند داشته باشد. بهره‌گیری از سواحل طولانی و تسلط بر نقاط استراتژیک و واقع شدن در دو حوزه بزرگ انرژی در کنار قرار گرفتن در راه اتصال کشورهای محصور در خشکی آسیای مرکزی و قفقاز به آب‌های آزاد ابزارهای مناسبی در قدرت سخت ایران هستند. از طرفی با برخورداری و بالا بردن توانایی خود در هوشیاری و همراهی با ایده جهان چند قطبی، همگرایی منطقه‌ای، تنش‌زدایی، توسعه‌گرایی و از همه با مهم‌تر تکیه بر توانمندی در ژئوپلیتیک انرژی بویژه در قدرت نفت و گاز خود می‌تواند به خواسته‌های قدرت نرم برسد. در صورتی که اجرای همه آنها بارهبری صحیح برنامه‌ریزی گردد. به نظر می‌رسد ایران هم به توانایی قدرت هوشمند، برای مقابله با تهدیدات و تحریم‌های موجود خواهد رسید. در این راستا، ایران با گره زدن سرنوشت امنیت خود با انرژی و انتقال آن به کشورهای غربی، می‌تواند به قدرت، ثروت و امنیت مورد دلخواه در قدرت هدفمند برسد.

همان طور که ملاحظه شد رویکرد غالب و مسلط قدرت در دوره‌های طولانی، قدرت سخت بود. اما در یک دهه اخیر رویکرد جدیدی از قدرت به نام نرم در استراتژی هژمونی ایالات متحده و قدرت‌های بزرگ مطرح می‌باشد. این استراتژی که قدرت جذب دیگر کشورها بدون استفاده ابزاری از قدرت سخت پیگیری می‌گردد، از سال ۲۰۰۸ میلادی با تغییراتی در تئوری پیشنهادی جوزف نای به ایالات متحده، قدرت هدفمند نامیده شد. در این تئوری قدرت حکومت ملی با ترکیب قدرت نرم و سخت به حداکثر می‌رسد. اگرچه هنوز همه کشورها نمی‌توانند برای قدرتمندی از این استراتژی استفاده نمایند، اما در این تحقیق سعی شده است با

تلفیق برخی از ابزارها و عناصر قدرت سخت و نرم به این نتیجه برسیم که کشورهایی مانند ایران هم می‌تواند از استراتژی قدرت هوشمند در پیشبرد اهداف خود استفاده نمایند. استفاده ابزاری و به موقع از موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژی ایران در منطقه و نیز بهره‌مندی عناصری از توانایی در آگاهی، همراهی با ایده جهان چند قطبی، همسویی، تنش‌زدایی، توسعه محوری و به ویژه تکیه بر قدرت ژئوپلیتیک انرژی، ما را به این نتایج رسانید که اولاً بکارگیری قدرت هوشمند در توانمندی کشورها بیشترین تأثیر را دارد ثانیاً ایران هم می‌تواند از توانمندی‌های خود از این استراتژی استفاده نماید و ثالثاً مؤثرترین ابزار ویژه ایران استفاده از موقعیت ژئوپلیتیک انرژی و تکیه بر نفت و گاز خود می‌باشد. در این صورت ایران به قدرت، امنیت و ثروت مورد نظر خود با حداقل درگیری به استراتژی هوشمند خواهد رسید.



منابع فارسی

کتب

- اسماعیلی، علی محمد (۱۳۹۱)، جنگ نرم در همین نزدیکی، چاپ سوم، تهران: انتشارات ساقی
- امانی، مسعود (۱۳۸۹)، حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول
- بشیریه، حسین (۱۳۹۴)، جامعه‌شناسی سیاسی غرب و ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات فرهنگ
- بری بوزان و ویور الی (۱۳۸۸)، مناطق و قدرت‌ها، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
- پوراحمدی، حسین (۱۳۸۹)، قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، قم: انتشارات مؤسسه بوستان کتاب
- پورمهرانی، مهران (۱۳۸۹)، چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران در مرزهای پیرامون، چاپ اول، تهران: انتشارات نوآور
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۲)، روابط خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران: انتشارات آوای نور
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت
- (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، چاپ اول، مشهد: انتشارات پایای
- (۱۳۸۹)، قدرت و منافع ملی، چاپ اول، تهران: انتشارات انتخاب
- حسینی متین، سید مهدی (۱۳۹۱)، رویارویی آمریکا با ایران پس از جنگ سرد، تهران: انتشارات ابرار معاصر
- دامن‌پاک جامی، مرتضی (۱۳۸۸)، دیپلماسی اقتصادی ج.ا.ایران در آسیای مرکزی، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه
- دهشیار، حسین (۱۳۸۲)، سیاست خارجی آمریکا در آسیا، چاپ اول، تهران: انتشارات ابرار معاصر
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت
- عزتی، عزت الله (۱۳۹۰)، ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت

- سیف‌زاده، سید حسین (۱۳۸۴)، نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف در روابط بین‌المللی فردی - جهانی شده: مناسب و کارآمدی، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه
- کلود زیچ، ادوارد (۱۳۹۰)، امنیت و روابط بین‌الملل، ترجمه نادر پورآخوندی، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده، مطالعات راهبردی
- متقی، ابراهیم (۱۳۹۱)، روند تحول قدرت نرم در سیاست خارجی آمریکا ۲۰۲۱ - ۱۷۹۲، چاپ اول، تهران: انتشارات ساقی
- محمدحسینی، مسعود (۱۳۹۱)، مرزهای ایران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، تهران
- محمدی، یداله (۱۳۹۰)، انقلاب اسلامی و نقش تاریخ ساز امام خمینی (ع) در تولید قدرت نرم، چاپ چهارم، تهران: انتشارات ساقی
- مظفری، آیت (۱۳۸۶)، روش شناسی و آموزش تحلیل سیاسی، چاپ اول، قم: انتشارات زمزم هدایت
- نای، جوزف (۱۳۹۲)، آینده قدرت، ترجمه احمد عزیزی، تهران: انتشارات نی
- هاشمی، سید حمید (۱۳۹۰)، جنگ نرم، نبرد در دنیای معاصر، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت علوم

مقالات

- پوراحمدی، حسین (۱۳۸۳)، اقتصاد سیاسی بین‌الملل، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال سوم، شماره سه
- ترابی، طاهره (۱۳۸۹)، تنش‌زدایی نامتوازن در سیاست خارجی ایران، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک سال ششم، شماره سوم
- جواد طاعت، سیده زهره موسوی (۱۳۹۰)، رابطه متقابل امنیت ناحیه‌ای و توسعه یافتگی فضاهای سیاسی، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره اول
- حسین مختاری هشی، حمیدرضا نصرتی (۱۳۸۹)، امنیت انرژی و موقعیت ژئوانرژی ایران، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره دوم
- فاطمه صیدی، محمود علی پور (۱۳۹۲)، اثرات تحریم اقتصادی ایالات متحده و غرب بر روابط اقتصادی، سیاسی و بین‌الملل ایران، کنفرانس بین‌المللی اقتصاد در شرایط تحریم، تهران
- مازینی، احمد (۱۳۸۷)، بازشناسی عوامل موثر بر جریان سرمایه گذاری خارجی در ایران، پژوهشنامه اقتصادی، سال چهارم، شماره دوم
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۹)، گزارش ارزیابی عملکرد شرکت ملی نفت

- و شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی ایران، طی سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۹۹
- نادر مردانی، حمیده بهمنی (۱۳۹۴)، حق مستقیم سرمایه‌گذار خارجی در اقامه دعوا علیه دولت میزبان براساس مکانیزم حل‌وفصل اختلافات معاهده منشور انرژی، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره شصت و هفتم
- نای، جوزف (۱۳۸۲)، قدرت نرم، سیاست خارجی، ترجمه حسینی مقدم، فصلنامه راهبرد، سال هفتم، شماره بیست و نهم
- یزدان فام، محمود (۱۳۸۸)، امنیت نرم و چرایی اهمیت آن، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوازدهم، شماره سوم

